

«عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ» و علامه میر حامد حسین

مصطفی سلیمی زارع*

چکیده

در عرصه کلام شیعی بویژه امامت، که بن‌مایه و وجه تمایز این فرقه با دیگر فرقه‌های اسلامی به شمار می‌رود، ردیه‌های بسیاری از سوی مخالفان شیعه نگاشته شده که سعی در تخریب این مذهب داشته‌اند. از جمله این افراد که با بن‌مایه عصیبت و با تحریک استعمارگران زمانه، به اصول مذهب شیعه، خصوصاً امامت هجوم آورد، مولوی عبد العزیز دهلوی با اصالتی هندی بود که در ردّ شیعه کتابی به نام **تحفة اثنی عشریه** نوشت. باب هفتم این کتاب، در بر دارنده اشکالاتی بر آیات و احادیثی است که شیعه برای امامت امیر المؤمنین □ اقامه می‌کند. بر ضد این اثر، عالمی وارسته و متکلمی متبحر از سادات موسوی، از همان دیار هند، با نگارش پاسخی مفصل و کوبنده، از مذهب تشیع دفاع نمود. او کسی نبود جز علامه میر حسین کنتوری. در این مقاله، سعی می‌کنیم روش میر حامد حسین را در پاسخ به کتاب پیش گفته بررسی کنیم.

کلید واژه‌ها: **عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ**، علامه میر حامد حسین، حدیث ثقلین، صاحب **عِبَقَات** و صاحب **تحفه**.

در باره مؤلف

میر حامد حسین، در سال ۱۲۴۶ هجری در شهر «میرتپه»، یکی از شهرهای هند، پا به عرصه گیتی گذاشت. از خاندان موسوی بود که از جانب پدرش، سید محمد قلی (م ۱۲۶۰ ه) با ۲۷ واسطه به امام موسی بن جعفر □ می‌رسید. خاندانش همگی از اهل علم و زهد و تقوا بودند. اصالت این خاندان، از نیشابور بود که یکی از اجدادش در قرن هفتم به سبب حمله مغول، به هندوستان هجرت کرد و در شهر «کنتور» رحل اقامت افکند.

میر حامد حسین، دروس علوم اسلامی را نزد بزرگان خود، سید مرتضی، خلاصه العلماء، سید محمد سلطان العلماء، سید عباس شوشتری و... فرا گرفت و سرانجام در سال ۱۳۰۶ هجری رحلت کرد.

جامعه‌ای که میر حامد حسین در آن می‌زیست، در چنگال استعمارگران انگلیس بود که از هر فرصتی برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان دریغ نمی‌ورزیدند. در چنین شرایطی، سید محمد قلی خان (پدر میر حامد حسین) و خود میر حامد حسین، پیوسته در پی پاسخ‌گویی به شبهات دانش‌مندی بودند که از سوی استعمارگران تحریک شده بودند (گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۷۶). از جمله آثار میر حامد حسین می‌توان کتب زیر را بر شمرد:

۱. استقصاء الفحاح؛ پاسخی به کتاب منتهی الکلام، از حیدر علی فیض آبادی حنفی؛
۲. سوارق النصوص (۵ جلد در علم کلام)؛
۳. افحام اهل الیمن؛ ردی بر کتاب ازالة الغین، از حیدر علی فیض آبادی حنفی؛
۴. أسفار الأنوار؛
۵. کشف المعضلات فی حلّ المشكلات؛
۶. النجم الثاقب فی مسئله الإرث؛
۷. الدرر السنية فی المکاتیب و المنشآت العربیة؛
۸. الذرایع فی شرح الشرایع، از محقق حلی؛
۹. زین المسائل الی تحقیق المسائل (در باره مسائل فقهی و گوناگون)؛
۱۰. الغضب البتار فی مبحث آیه الغار؛
۱۱. عبقات الأنوار فی امامة أئمة الأطهار □.

در باره کتاب «عبقات الأنوار»

همان گونه که پیش‌تر گفته شد، اثری که در پاسخ به شبهات یکی از کتب مخالفان، بر خامه قلم علامه میر حامد حسین است، کتاب عبقات الأنوار فی امامة أئمة الأطهار □ است. این کتاب در رد کتاب تحفة إثنی عشریه به گونه‌ای تفصیلی و در خور، پاسخ‌گوی خدشه‌های مولوی عبد العزیز دهلوی نگاشته شده است.

پیش از پرداختن به کتاب عبقات الأنوار بایسته است اندکی از ساختار و شیوه تألیف کتاب تحفة إثنی عشریه سخن به میان آید تا ارزش کار علامه میر حامد حسین بیشتر نمایانده شود. تحفة إثنی عشریه، یا حمایت استعمارگران انگلیس، در آغاز بدون نام مؤلف، چاپ شد ولی در چاپ بعدی، نام مؤلف نیز به صراحت درج شد. این کتاب، تماماً به انگیزه ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی تألیف شد (خلاصه عبقات الأنوار، ج ۱، ص ۱۵۸).

کتاب **تحفة اثنی عشریه** در اوایل سده سیزدهم هجری به نام مستعار «غلام حلیم» در ابتدا به زبان فارسی و بعدها چندین بار به عربی چاپ شد.

موضوع این کتاب، نقد میان‌ی شیعه اثنا عشری و به روش کلام نقلی نگارش یافته است. مؤلف، در دیباچه کتاب تصریح می‌کند که ملتزم است آن چه را نقل کند که مسلم و قطعی است و بر آن اتفاق نظر وجود باشد. اما این که تا چه حد بر این گفته ثابت قدم بوده، باید در مقام عمل جویا شد.

صاحب **عیقات** به ردّ این کتاب پرداخته و احادیثی که توسط دهلوی نقد شده را از نظر سندی و متنی پاسخ می‌دهد. افزون بر این، ظهور آیات مورد مناقشه او را نیز اثبات می‌کند و این همه را بر پایه کتاب‌های عامّه و کلمات و سخنان عالمان آن‌ها به سرانجام می‌رساند.

البته این نکته یادکردنی است که آیه الله میلانی بر این باور است کتاب **تحفة اثنی عشریه**، ترجمه فارسی کتاب **الصّواعق** نصر الله کابلی است که توسط او به سرقت رفته و منتشر کرده است (همان جا).

در باره ساختار کتاب **تحفة اثنی عشریه** باید گفت که این کتاب، در دوازده باب، به زبان فارسی، به قرار زیر سامان یافته است:

باب اول: تاریخ حدیث شیعه؛

باب دوم: مکائد شیعه؛

باب سوم: گذشتگان و کتب شیعیان؛

باب چهارم: راویان شیعه و روایات آن‌ها؛

باب پنجم: الهیات؛

باب ششم: نبوت؛

باب هفتم: امامت؛

باب هشتم: معاد؛

باب نهم: مسائل فقهی؛

باب دهم: مطاعن شیعه؛

باب یازدهم: اوهام، تعصبات و هفوات؛

باب دوازدهم: ولاء و براء.

با انتشار این کتاب، ردیه‌های گوناگونی از سوی عالمان شیعه به سوی آن گسیل شد. گروهی بر یک یا چند باب آن و گروهی دیگر بر تمام کتاب، ردیه نوشتند:

۱. علامه میر حامد حسین، از عالمانی بود که تنها بر باب هفتم این کتاب که در باره امامت بود، ردیه نوشت. عالمانی دیگر نیز بر این باب پاسخی نوشتند. از جمله این افراد:

۲. سید دل‌دار علی نقوی نصیرآبادی، صاحب **خاتمة الصوارم**.
۳. سید محمد بن سید دل‌دار علی، ملقب به سلطان العلماء (م ۱۲۸۴ هـ) که صاحب دو اثر، یکی به عربی و دیگری به فارسی، به نام **البوارق الموبقه**.
۴. سید جعفر ابو علی خان بن غلام علی موی بنارسی، صاحب **برهان الصادقین**.
۵. والد صاحب **عبقات**، سید محمد قلی، صاحب **برهان السعادة**.
۶. سید مفتی محمد عباس موسوی تستری جزائری (م ۱۳۰۶ هـ)، استاد صاحب **عبقات**، صاحب **الجواهر العبقریة** (ر.ک: **تراثنا**، ش ۱، ص ۱۲۴).

جایگاه کتاب نزد بزرگان

عالمان بسیاری، این کتاب و روش آن را ستوده‌اند. علامه بزرگ شیعه، صاحب **الغدیر**، علامه امینی، در باره جایگاه **عبقات الأنوار** می‌گوید:

بوی دل‌پذیرش در تمامی جهان پیچیده و آوازه‌اش از باختر تا خاور را گرفته است. هر کس آن را دیده دانسته که کتاب اعجاز‌آمیز روشن‌گری است که هیچ باطلی در آن راه ندارد و من در نوشتن **الغدیر** از دانش‌های با ارزش نهفته در آن بهره فراوان بردم (**موسوعة الغدیر**، ج ۱، ص ۳۲۲؛ **پژوهش‌های حوزه**، ش ۳، ص ۱۲۴).

در باره عظمت کار صاحب **عبقات** و جایگاه کتاب وی، همین بس که بدائیم بعد از چاپ کتاب **تحفة اثنی عشریه**، هر کتابی در رد آن نوشته شد، از سوی پیروان مولوی عبد العزیز دهلوی، هم‌چون حیدر علی فیض آبادی، محمد رشید الدین دهلوی و... پاسخ داده می‌شد، ولی با ظهور ردیه علامه میر حامد حسین، کسی قدرت پاسخ‌گویی به آن را نداشت و تا کنون شنیده نشده است که کتابی در رد **عبقات الأنوار** از ناحیه مخالفان نوشته شده باشد و این نشان از قوت کار میر حامد حسین و عجز مخالفان در پاسخ به آن دارد (خلاصه **عبقات الأنوار**، ج ۱، ص ۱۲۸).

کارهای صورت گرفته بر «عبقات الأنوار»

۱. نخستین تحقیق در مورد کتاب **عبقات الأنوار**، از سوی مولانا بروجرودی در سال ۱۴۰۴ هجری صورت گرفت. طبق گفته محقق، آن چه سبب شد تا او دست به چنین کاری زند، چاپ پر غلطی بود که حدود یک صد سال پیش از آن شده بود که نیاز مبرم به تصحیح و تحقیق داشت (**عبقات الأنوار فی إمامة ائمة الأطهار**، ج ۱، ص ۱۶). همین کتاب، در سال ۱۴۱۶ هجری توسط سید محسن امین عاملی، تعریب شد و با چاپی منقح از سوی دفتر انتشارات اسلامی به زیور طبع آراسته گردید.

۲. دومین کار، از سوی آیه الله میلانی انجام شد. از آن جا که اصل کتاب به زبان فارسی رایج قرن سیزدهم در هندوستان نوشته شده، استفاده از آن برای فارسی‌زبانان امروزی و

عرب‌زبانان آسان نبود. از این رو، آیه الله سید علی میلانی در جهت عمومی‌تر کردن آن، دست به تعریب آن زد و نام آن را خلاصه عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ نهاد (خلاصه عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ، ج ۱، ص ۱۷۵. ایشان برای تعریب این اثر در سال ۱۳۸۵هـ یعنی حدود پنجاه سال پیش، علی‌رغم مشکلات فراوان، برای یافتن مصادر و منابع آن، سفرهایی را آغاز کرد). کارهای منسجم‌تری از سوی ایشان روی کتاب عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ صورت گرفته است که نیازمند توضیح بیشتری است.

در این اثر جدید، ترتیب احادیث مورد بررسی، با اصل کتاب متفاوت است. به این شرح که در مجلد اول، به حدیث ثقلین پرداخته، در حالی که این حدیث در اصل کتاب در مجلد دوازدهم قرار داشت. و سپس مجلدات مربوط به احادیث دیگر، تعریب و خلاصه شده است.

گفتنی است که آیه الله میلانی افزون بر تعریب، به تحقیق، تعلیق و تنظیم آن نیز همت گماشت. ایشان در تعریب این اثر، سعی بر حفظ لطائف و ذقایق عبارات دارد. در تحقیق، یافتن نشانی دقیق عبارت در مصادر، در صورت چاپی بودن آن، مورد توجه بوده است. در صورت خطی بودن مصادر نیز بدان اشاره شده است. البته چاپی یا خطی بودن برخی از مصادر، نا معلوم بوده است که به خاطر هندی بودن این مصادر، تکمیل آن‌ها به تحقیقات بعدی موکول شده است. (از آن جا که صاحب عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ در مقام نقل و گزارش مطلبی، نام قائل آن را مستند به مصدر و کتاب آن شخص می‌کند، تا حدودی کامل‌تر شدن این تحقیق، ساده‌تر می‌شود).

ضمن تعریب این کتاب، رعایت نکاتی چند سبب تلخیص این اثر شده است:

۱. از آن جا که صاحب عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ کتاب خود را به فارسی نوشته بود و در گزارش عبارات عربی، آن را نیز به فارسی ترجمه می‌کرد، لذا در تعریب آن، حجم بسیاری از کتاب به دلیل حذف عبارت‌های فارسی کاهش می‌یافت.

۲. از طرف دیگر، روش صاحب عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ این بود که نام اشخاص و تألیفات آن‌ها را به صورت کامل بیان می‌کرد. مثلاً می‌گفت: «قال مجد الدین مبارک بن محمد، المعروف بابن اثیر الجزری الشافعی، فی جامع الأصول». در حالی که در این کتاب، نام این شخص به صورت زیر خلاصه شده است: «قال ابن اثیر فی جامع الأصول».

۳. در برخی از مجلدات، ذکر وصف راویان و دانش‌مندان، با اوصافی همراه بود که چندین سطر را در بر می‌گرفت. در بخش دلالت‌ها نیز صاحب عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ بسیاری از وجوهی را که در مقام ردّ دعوا یا استدلال صاحب تحفه ذکر می‌کرد، با هم مشابه بودند و ادغام برخی از آن‌ها در یک‌دیگر به گونه‌ای که خلل و اشکالی در جوانب بحث وارد نیاید، ممکن بود و سبب تلخیص آن می‌شد (خلاصه عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ، ج ۱، ص ۱۷۳).

در تعلیق این اثر، علاوه بر افزودن فوایدی در حاشیه و متن کتاب، ملحقاتی نیز در هر مجلد در باره سند اضافه شده است. این ملحقات، در باره اسامی راویان حدیث است که با مراجعه به

کتاب و مصادر دیگر به دست آمده است. گفتنی است که ملحقات مجلد حدیث ثقلین، به قلم سید عبد العزیز طباطبایی نوشته شده است (همان، ص ۱۷۴).

در باره تنظیم این اثر نیز باید گفت که ارزش تنظیم خلاصه عبقات الأنوار وقتی درک می شود که آشنایی اجمالی از عبقات الأنوار وجود داشته باشد. در این کتاب، برای هر موضوعی، فصلی و برای هر فصلی، عنوانی مختص به آن و برای هر بحث از بحث های موضوع نیز عنوانی اضافه شده است. و این علاوه بر ارقام و علائم فنی مختلفی است که معمولاً امروزه به کتاب اضافه می شود.

علاوه بر این فهرست های سه گانه که در پایان هر حدیث در مجلد این کتاب اضافه شده، سه فهرست دیگر در پایان هر حدیث در باره موضوعات، اعلام مترجمان و مصادر آن اضافه شده است. در آخرین مجلد کتاب، در جزء جداگانه ای، مصادر تحقیق، چاپ شده است (همان جا).

۴. آیه الله میلانی، تألیف دیگری نیز به نام نفحات الأزهار فی خلاصه عبقات الأنوار دارد. این کتاب، در حقیقت همان کتاب خلاصه عبقات الأنوار است. پیش تر گذشت که ایشان در کتاب خلاصه عبقات الأنوار، تحقیق بخشی از مصادر هندی را به زمانی دیگر موکول کرده بود. ایشان در کتاب نفحات الأزهار، این مصادر را تحقیق کرده و با چاپی منقح تر از کتاب پیشین، در بیست جلد، در سال ۱۴۰۴ هجری به چاپ رساند. با چاپ این اثر، کتاب عبقات الأنوار علامه میر حامد حسین، به گستردگی در محافل علمی راه یافت و عمق کار میر حامد حسین بیشتر شناخته شد. آن چه نگارنده، از کار علامه میر حامد حسین برای آشنایی بیشتر با این اثر بررسی می کند، تنها مربوط به حدیث ثقلین می شود؛ چرا که بررسی تمام احادیث و مجلدات این کتاب، از حد و فراخور این مقاله خارج است.

ساختار کتاب

کتاب خلاصه عبقات الأنوار، همانند کتاب تحفه اثنی عشریه، در دو منهج، منهجی در باره آیات قرآن و منهجی در باره احادیث، سامان یافته است. در هر کدام از این دو منهج، ردیه های صاحب تحفه بر آیات و احادیث مورد استناد شیعه در امامت، پاسخ داده شده است.

منهج نخست که در باره آیات قرآن است، در مجلدی بزرگ نوشته شده که تا کنون چاپ نشده و در کتابخانه بزرگ مؤلف در شهر لکهنو در هندوستان، نگهداری می شود (الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۱۴).

مؤلف، منهج نخست را به آیات زیر که از ناحیه عبد العزیز دهلوی مورد مناقشه قرار گرفتند اختصاص داده است:

۱. آیه ولایت: {إِنَّمَا وَلِیْکُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِیْنَ آمَنُوا الَّذِیْنَ یَقِیْمُونَ الصَّلَاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکَاةَ وَ هُمْ رَاکِعُونَ} (سوره مائده، آیه ۵۵).

۲. آیه تطهیر: {إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً} (سوره احزاب، آیه ۳۳).

۳. آیه اجر: {قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى} (سوره شوری، آیه ۲۳).

۴. آیه مباحله: {فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لِنَفْسٍ مَا نَشَاءُ} (سوره الکافین، آیه ۶۱).

۵. آیه هاد: {إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ} (سوره رعد، آیه ۷).

۶. آیه سابقون: {وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ} (سوره واقعه، آیه ۱۰ و ۱۱).

اما منتهج دوم که در باره احادیث است، بنا بر گزارش های موجود، سی جلد است که دوازده جلد آن در ایران و هندوستان چاپ شده است (گلشن/برار، ص ۳۷۶). مجلّات کتاب عبقّات الأنوار، هر کدام به حدیث خاصی اختصاص یافته اند و گاهی چندین جلد مربوط به یک حدیث است که آن مجلّات نیز به نام خود احادیث ثبت شده اند.

مجلّد اول: حدیث غدیر: «یا معشر المسلمین! ألسنت أولى بکم من أنفسکم؟ قالوا. بلی. قال: من كنت مولاه فعلىّ مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه».

مجلّد دوم: حدیث منزلت: «أنت منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبيّ بعدى».

مجلّد سوم: حدیث ولایت: «إِنَّ عَلِيّاً مِنِّى وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ، وَهُوَ وَلِىَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِى».

مجلّد چهارم: حدیث نبوی طیر: «كان عند النبي طائر قد طيخ له أو أهدى إليه. فقال: اللهم أمتنى بأحب الناس إليك يأكل معى هذا الطير. فجاءه علىّ. اللهم ائتنى بأحب خلقك إليك وإلى يأكل معى فجاء علىّ».

مجلّد پنجم: حدیث باب علم: «أنا مدينة العلم و علىّ بابها».

مجلّد ششم: حدیث تشبیه: «من أراد أن ينظر إلى آدم فى علمه و إلى نوح فى تقواه و إلى ابراهيم فى حلمه و إلى موسى فى بطشه و إلى عيسى فى عبادته، فلينظر إلى علىّ بن ابى طالب».

مجلّد هفتم: حدیث «من ناصب علياً فهو كافر».

مجلّد هشتم: حدیث «كنت أنا و علىّ بن أبى طالب نوراً بين يدي الله قبل أن يخلق آدم بأربعة عشر ألف

عام، فلما خلق الله آدم، قسم ذلك النور جزئين، فجزء أنا و جزء علىّ بن أبى طالب».

مجلّد نهم: حدیث رأیت (حدیث نبوی در روز جنگ خیبر): «لأعطين الراية غداً رجلاً يحب الله و رسوله و يحبه الله و رسوله يفتح الله على يديه».

مجلّد دهم: حدیث نبوی خطاب به علىّ: «إِنَّكَ تُقَاتِلُ عَلَى تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلْتَ عَلَى تَنْزِيلِهِ».

مجلّد یازدهم: حدیث «رحم الله علياً، اللهم أدر الحق معه حيث دار».

مجلّد دوازدهم: حدیث ثقلین: «إِنِّى تَارِكٌ فِىْكُمْ الثَّقَلَيْنِ، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا، لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِى أَحَدُهُمَا».

روش کتاب

الف. روش کلی کتاب

وی در منهج نخست کتاب که در باره بحث از آیات قرآن بود، با رد دلالت آیاتی از قرآن که امامت شیعه به آنها مستند است، سعی در تأویل آنها و خدشه دار ساختن دلالت آنها دارد. وی در این بخش، تنها به شش آیه بسنده می کند. در بخش دوم نیز به سند یا به دلالت دوازده حدیث مورد استناد شیعه در امامت، خدشه وارد ساخته و تلاش می کند معنایی جز معنایی که شیعه از آن برداشت کرده، ارائه کند (در باره این احادیث، در قسمت دیگری به معرفی آنها خواهیم پرداخت). مؤلف در این بخش، جمله جمله عبارات دهلوی را در باره این احادیث، با شواهد و مستندات، بررسی و نقد کرده است. به گونه ای که در برابر یک جمله دهلوی، گاه دست کم ده ها صفحه پاسخ های مستند نوشته است. نکته قابل ذکر آن است که این مستندات غالباً از خود منابع اهل سنت است.

ب. روش مؤلف در حدیث ثقلین

مؤلف در بحث حدیث ثقلین مطالبی را به ترتیب زیر ارائه می دهد:

بحث سندی

۱. خرده گیری بر شیوه استدلال صاحب «تحفه»

در این بخش، در ابتدا علامه میر حامد حسین بر شیوه استدلال دهلوی، خرده می گیرد که چرا در مقام استناد به حدیث ثقلین از میان نقل های فراوانی که از این حدیث وجود دارد، تنها به نقل «زید بن ارقم» اکتفا نموده و حتی روایت وی را نیز به صورت ناقص نقل کرده است.

در این بخش، میر حامد حسین برای نشان دادن این که این حدیث از زمان صدور، در طول قرن های متمادی، توسط افراد مختلف نقل شده، به ارائه گزارشی از نقل های حدیث ثقلین و نیز توثیق راویان آن از کتاب رجالی اهل سنت می پردازد. وی شمار این افراد را از قرن دوم تا سیزدهم به ۱۸۷ نفر می رساند.

از جمله نقدهای دیگری که علامه میر حامد حسین در این جهت بر صاحب تحفه می گیرد این است که چرا دهلوی نه تنها کوچک ترین اشاره ای به تواتر این حدیث نمی کند بلکه حتی به استفاضه آن نیز - در صورت عدم قبول تواتر آن - اشاره ای نمی کند. در این مورد، علامه میر حامد حسین گزارش های مختلف این حدیث را در کنار بیانی اجمالی از تراجم راویان آن را ارائه می کند و در پایان، تواتر این حدیث را نمایانده و اثبات می کند (همان جا).

۲. پاسخ به اشکالات وارد شده بر سند حدیث

در این بخش که در جلد دوم کتاب است، اشکال سه نفر از بزرگان اهل سنت، هم‌چون بخاری، ابن جوزی و ابن تیمیه، مطرح، و نقد و بررسی شده است.

به عنوان مثال، بخاری در **تاریخ الصغير** در باره این حدیث می‌گوید:

قال احمد (بن حنبل) فی حدیث عبد الملك، عن عطية، عن أبي سعيد، قال النبی: تركت فيكم الثقلين... احاديث الكوفيين هذه مناكير.

میر حامد حسین، انتساب این سخن را به احمد بن حنبل توسط بخاری، بسیار غریب می‌داند؛ چرا که استاد او، احمد بن حنبل، این حدیث را به طرق گوناگون و به روایات متکثر در مسند خود، از زید بن ارقم، زید بن ثابت و ابوسعید خدری نقل می‌کند و نسبت جرح به احمد بن حنبل را با مدح‌هایی که در وصف او و کتاب وی آمده، بسیار عجیب دانسته و از هیچ روی قابل توجیه و تأویل نمی‌داند. میر حامد حسین، برای اثبات ارزش و جایگاه **مسند احمد بن حنبل**، نخست به گزارش برخی بزرگان عامه در باره این کتاب می‌پردازد. یکی از افرادی که در باره این کتاب، مدحی به کار برده «قاضی القضاة سبکی» است. وی در باره جایگاه این کتاب می‌گوید:

هذا الكتاب - یعنی مسند الإمام أبي عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني - قدس الله روحه - أصل كبير و مرجع وثيق لأصحاب الحديث. إنتقى من أحاديث كثيرة و مسموعات و افرة، فجعل إماماً و معتمداً، و عند التنازع ملجأ و مستنداً، على ما أخبرنا والدي و غيره... قال لنا حنبل بن إسحاق: جمعنا عمي - یعنی الإمام أحمد - لي و لصالح و لعبد الله و قرأ علينا المسند، و ما سمعنا معنا - یعنی تماماً - غيرنا. و قال لنا: إن هذا الكتاب، قد جمعت و انتقيته من أكثر من سبعائة و خمسين ألفاً، فما اختلف فيه المسلمون من حديث رسول الله ﷺ فارجعوا إليه، فإن كان فيه و إلا ليس بحجة.

این کتاب، یعنی مسند امام ابو عبد الله احمد بن حنبل شیبانی، اصلی بزرگ و مرجعی موثق برای اصحاب حدیث به شمار می‌رود که مؤلف، آن را از میان احادیث و شنیده‌های بسیاری که نزد او مورد اعتماد بوده، گلچین کرده است. این، کتابی است که در مواقع اختلاف و تنازع، مرجع، معتمد و مورد استناد واقع می‌شود. بر اساس آن چه که پدرم و دیگران به من خبر داده‌اند، حنبل بن اسحاق گفت که عمویم (احمد بن حنبل)، من، صالح، و عبدالله را جمع نمود و مسند را بر ما قرائت کرد و هیچ کس جز ما آن را کامل نشنید. و سپس به ما گفت: این کتاب را از میان بیش از هفتصد و پنجاه هزار حدیث گلچین کردم و تدوین نمودم. در مواقع اختلاف در بین احادیث رسول خدا (برای رفع اختلاف) به آن مراجعه کنید، اگر در آن بود، حجت است و گر نه حجت نیست (ر.ک: همان، ص ۱۶).

میر حامد حسین در ادامه می‌گوید: «چگونه وجود حدیث ثقلین در کتابی که تا این حد از صحت سندی برخوردار است و در نگارش آن دقت تام به کار رفته و در هنگام اختلاف، مرجع حل اختلاف به شمار می‌رود، نمی‌تواند معتبر باشد؟ با این وصف، چگونه بخاری معتقد است که این حدیث، از احادیث منکر است؟»

در ادامه، میر حامد حسین با ذکر اقوال دیگری از کتب اهل سنت، مانند سیوطی، ثعالبی و از خود دهلوی (صاحب تحفه)، به توثیق احمد بن حنبل می‌پردازد. و در پایان به عنوان نتیجه بیان می‌کند که برای هر صاحب خرد و هوشی روشن شد که نسبت «منکر بودن حدیث ثقلین» به احمد بن حنبل، دروغی بزرگ و ناشناخته و بهتانی بزرگ است: فقد ظهر لكل ذي تبّع و فطنة، أنّ نسبة كون حدیث الثقلین من الأحادیث المنکر الى الامام احمد بن حنبل، کذب منکر و بهتان عظیم (ر. ک: همان جا). در باره قدح ابن جوزی نیز می‌گوید که ابن جوزی در کتاب خود، العلل المتناهية فی الأحادیث الواهیه این گونه آورده است:

حدیث فی الوصية لعترته: أنبأنا عبد الوهاب الأنطاطی، قال: أخبرنا محمد بن المظفر، قال: أخبرنا أحمد بن محمد العتيقی، ... عن أبي سعيد، قال: قال رسول الله ﷺ: إني تارك فيكم الثقلين، كتاب الله و عترتي. و أنّها لن يفترقا جميعاً حتى يردا على الحوض، فانظروا كيف تخلفوني فيهما (همان جا).

ابن جوزی در باره این حدیث، صحت این حدیث را به دلیل تضعیف راویان آن از سوی احمد بن حنبل و یحیی بن معین، زیر سؤال برده است.

حدود چهل صفحه از کتاب خلاصة عبقات الأنوار، پاسخ به ابن جوزی است. وی ابتدا به نقل این حدیث از کتب صحیح اهل سنت پرداخته و توثیق بزرگان رجالی اهل سنت را از روایان آن حدیث را گزارش می‌کند. در پایان نیز نقل دیگری از این حدیث را از کتاب دیگر ابن جوزی به نام المسلسلات ارائه می‌کند که بر اعتقاد صحیح ابن جوزی بر صحت این حدیث، دلالت می‌کند.

در بخش سوم که «ملحق سند حدیث ثقلین» است، به قلم توانای سید عبد العزیز طباطبایی نگاشته شده است. وی در این بخش، تعداد ۱۲۶ راوی را نقل کرده و بر شمار راویان مذکور توسط علامه میر حامد حسین می‌افزاید. این راویان، از زمان صحابه شروع می‌شوند و تا قرن چهاردهم ادامه دارند.

بحث دلایلی

صاحب عبقات، بحث دلالت این حدیث شریف را با مقدمه‌ای در باره الفاظ حدیثی که دهلوی نقل کرده، آغاز و بیان می‌کند که نقل زید بن ارقم، به سه شکل مطوّل، متوسط و موجز، نقل شده و

نقلی را که صاحب تحفه از زید بن ارقم گزارش می‌کند، تنها منحصر در اوست و هیچ‌کس بسان او نقل نکرده است: اختار اخصر الفاظ حدیث زید قاصداً بذلك، کتم فضل اهل البیت □ (ر. ک: همان، ج ۲، ص ۲۵۹).

این در حالی است که نقل زید بن ارقم، به صورت مبسوط‌تری نقل شده که فضیلت اهل البیت و حقانیت آن‌ها را اثبات می‌کند (همان جا). در این جا مقایسه نقل تحریف شده زید بن ارقم با آن چه در واقعیت از او نقل شده، خالی از لطف نیست. نقلی که دهلوی گزارش می‌کند بدین گونه است:

روایة زید بن ارقم عن النبی □: إني تارك فيكم الثقلين، ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا بعدي أحدهما أعظم من الآخر كتاب الله وعترتي (همان، ص ۸).

نقل مطوّل حدیث ثقلین، توسط زید بن ارقم را نسائی و حاکم نیشابوری، از حبیب بن اُبی ثابت، از اُبی الطفیل، از زید بن اُرقم، بدین گونه است:

أخبرنا محمد بن المثني، قال: قال حدثنا يحيى بن حماد، قال: أخبرنا أبو عوانة، عن سليمان، قال: حدثنا حبيب بن أبي ثابت، عن أبي الطفيل، عن زید بن أرقم، قال: لما رجع رسول الله □ عن حجة الوداع و نزل غدیر خم، أمر بدوحات فقم، ثم قال: كأي دعيّة فأجبت و أني قد تركت فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله و عترتي أهل بيتي، فانظروا كيف تحلفوني فيها، فإني لن يفترقا حتى يردا على الحوض. ثم قال: إن الله مولاي و أنا ولي كل مؤمن. ثم أخذ بيد علي □ فقال: من كنت وليه، فهذا وليه، اللهم والي من والاه و عاد من عاداه. فقلت لزید: سمعته من رسول الله □؟ قال: و إنه ما كان في الدوحات أحد إلا رآه بعينه و سمعته بأذنيه (همان جا، به نقل از خصائص، ص ۹۳).

سپس دلالت حدیث ثقلین بر امامت را به گونه‌ای مفصّل بحث کرده و وجوه این دلالت را روشن می‌کند.

دلالت حدیث بر امامت اهل بیت □

دهلوی در باره دلالت حدیث ثقلین گوید:

و هذا الحديث لا علامة له بالمدعى أصلاً، لأنه لا يلزم أن يكون المتمسك به صاحب زعامة الكبرى.

میر حامد حسین با بیان و تحلیلی مفصل، زیبا و متکلمانه، پاسخ دهلوی را می‌دهد و روشن می‌سازد که «إن هذا الحديث يدل على ما يدعيه اهل الحق» و در طی مراحل زیر دلالت آن را روشن می‌سازد:

۱. دلالت مفاد حدیث بر وجوب پیروی

میر حامد حسین بیان می‌کند که وجوب پیروی از برخی انسان‌ها در تمامی حوزه‌های دین جز از کسانی که زعامت اعظم و کبری را نداشته باشد، ممکن نیست و حضرت امیر المؤمنین ☐ از جمله اشخاصی است که پیروی از او واجب است.

در ادامه و در مقام شرح حدیث، به بیان اقوال بزرگان و دانش‌مندان اهل سنت می‌پردازد. به عنوان مثال، در باره معنای تمسک به قرآن، گفته طیبی را در الکاشف نقل می‌کند:

و معنى التمسك بالقرآن العمل بما فيه و هو الاثبات بأوامره و الانتهاء عن نواهيه و التمسك بالعترة، محبتهم و الاهتداء بهداهم و سيرتهم؛

معنی تمسک جستن به قرآن، عمل به آن است. یعنی عمل به دستورات آن، اعم از انجام اوامر و پرهیز از نواهی آن و نیز تمسک جستن به محبت و هدایت و سیره اهل بیت ☐ است.

از جمله قرائن دیگری که علامه میر حامد حسین بر وجوب پیروی از مفاد حدیث اقامه می‌کند، عبارت‌اند از:

بحث‌هایی در باره: الفاظ حدیث ثقلین همچون «ثقلین»، «الأخذ» و لفظ «الاتباع» در برخی نقل‌ها و گزارش‌ها؛ عدم افتراق و جدایی قرآن و عترت از یک‌دیگر؛ امر و تأکید پیامبر به تمسک و توجه به اهل بیت ☐ به عنوان لازمه هدایت و عدم گمراهی مسلمانان؛ و...

میر حامد حسین از باب «الفضل ما شهد به الإعداء»، با ارائه شواهدی از خود اهل سنت، دلالت این حدیث را بر وجوب پیروی از اهل بیت ☐ همچون پیروی از قرآن اثبات می‌کند.

۲. دلالت لفظ «الخلافة» بر امامت (برای تفصیل بیشتر، ر.ک: همان، ص ۲۶۹ - ۳۳۲)

بر اساس برخی از گزارش‌های رسیده، پیامبر ☐ بارها از قرآن و عترت، با تعبیر «خليفة» یاد می‌کند. این تعبیر در برخی از نقل‌های حدیث ثقلین، همچون نقل احمد بن حنبل، بخاری و زرقانی و... نیز وجود دارد. نقل این تعبیر از رسول خدا ☐ در احادیث دیگر، جای هیچ‌گونه شکی در دلالت حدیث ثقلین بر حضرت امیر المؤمنین ☐ باقی نمی‌گذارد.

به عنوان مثال، نقل احمد بن حنبل این‌گونه است:

حدَّثَنَا الْأَسْوَدُ بْنُ عَامِرٍ، ثنا شريك، عن الركين، عن القاسم بن حسان، عن زيد بن ثابت، قال: قال رسول الله ﷺ: إني تارك فيكم خليفتين، كتاب الله، حبل ممدود ما بين السماء والأرض أو ما بين السماء إلى الأرض، و عترتي، أهل بيتي، وإتّهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض» (خلاصة عبقات الأنوار، ج ١، ص ٣٣).

در بخش پایانی، مخالفان برای اثبات مدّعی خویش، به احادیث زیر متمسک شدند و علامه میر حامد حسین به یکایک آن‌ها پاسخ می‌دهد:

١. «عليكم بسنتي و سنته خلفاء الراشدين المهديين».

٢. «خذوا شطر دينكم عن الحميراء (عائشة)».

٣. «اهدوا بهدي عمار».

٤. «تمسكوا بعهد ابن أم عبد: رضيت لكم ما رضى به ابن أم عبد».

٥. «أعلمكم بالحلّال و الحرام، معاذ بن جبل».

٦. «اقتدوا باللذين من بعدي (أبي بكر و عمر)».

٧. «أصحابي كالنجوم».

٨. و به روایت حضرت علیؓ: «إنما الشورى للمهاجرين و الأنصار».

از بین این احادیث، تنها به شیوهٔ پاسخ‌دهی علامه به یکی از این احادیث می‌پردازیم و خوانندگان را برای تفصیل بیشتر به خود کتاب ارجاع می‌دهیم.

علامه به حدیث «عليكم بسنتي و سنته خلفاء الراشدين المهديين من بعدي تمسكوا بها و عضوا عليه بالنواجذ»، در قالب پاسخ‌های زیر می‌پردازد:

اولاً: این حدیث، از متفرّدات عامّه است.

ثانیاً: ذکر این حدیث، با مبنای خود دهلوی مبنی بر التزام او به نقل مطالب (اصول مذهب شیعه) از کتب معتبر شیعه، منافات دارد.

ثالثاً: با فرض قبول موارد فوق، راویان این حدیث در نزد رجالیان اهل سنت، مجروح و مطرود است و حتی شیخین، بخاری و مسلم نیز آن را در کتب خود نیاورده‌اند (همان جا).

میر حامد حسین در ابتدا تک تک راویان این حدیث را با استناد به کتب رجالی اهل سنت، ضعیف یا مجهول می‌شمارد. و پس از بحث سندی در بارهٔ این حدیث، بیان می‌دارد که منظور از «خلفاء» در این حدیث، «ائمهٔ اثنی عشر» هستند. همان گونه که در برخی از احادیث وارده از سوی پیامبر اکرم ﷺ از «ائمهٔ اثنی عشر» تعبیر به «خلفاء» شده است. به عنوان مثال، پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی می‌فرماید:

من أحب أن يركب سفينة النجاة ويستمسك بالعروة الوثقى ويعتصم بحبل الله المتين، فليوالِ
 علياً بعدى و يعادِ عدوه، وليأتم بالأئمة الهداة من ولده، فليأتم خلفائى و أوصيائى و حُجج الله
 على خلقه بعدى و سادة أمتى و قادة الأتقياء إلى الجنة، حزبههم حزبى و حزبى حزب الله و
 حزب أعدائهم حزب الشيطان (همان، ج ۲، ص ۲۵۸).

پاسخ به شبهه عام عترت

دهلوی در مقام معارضه می‌گوید: «عترت، در لغت به معنای اقارب و خویشاوندان است و وجوب
 تمسک بر امامت، مستلزم امام بودن تمامی اقارب پیامبر □ همچون عبد الله بن عباس، محمد بن
 حنفیه، زید بن علی، و... است».

علامه میر حامد حسین نیز در مقام دفع این شبهه، با استناد به قول لغت‌پژوهانی هم‌چون
 جوهری، ابن اثیر، ابن منظور، سیوطی، زبیدی و... نشان می‌دهد که مراد از «عترت» تمام اقارب
 و خویشاوندان نیست، بلکه تنها خویشاوندان خاص و نزدیک را شامل می‌شود. و نیز از طرف
 دیگر، بیان می‌کند که حدیث ثقلین دو ویژگی را بر می‌شمارد و آن را مختص اهل بیت □
 می‌داند؛ یکی عصمت و دیگری اعلیت، که دیگران از این دو ویژگی محروم‌اند و همین ملاک
 تمایز است (همان، ص ۳۶۸).

ادبیات
 اسلامی

کتاب‌نامه

- الذریعة الى تصانیف الشيعة، آقا بزرگ تهرانی، تهران: دار الکتب العلمیة، دوم، ۱۳۸۴ هـ.
- خلاصة عبقات الأنوار، سیّد علی حسینی میلانی، قم: مؤسّسة الرسالة، ۱۴۰۵ هـ.
- عبقات الأنوار فی إمامة ائمة الأطهار، میر حامد حسین کنتوری، تحقیق: مولانا بروجردی، قم: سیّد الشهداء، ۱۴۰۴ هـ.
- گلشن ابرار، جمعی از پژوهش‌گران، قم: پژوهشکده باقر العلوم.
- موسوعة الغدير، سیّد عبد الحسین امینی، قم: مؤسّسة دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۴ هـ.

مقالات

- «معرفی کتاب عبقات الأنوار و میر حامد حسین»، محمّد رضا حسینی جلالی، پژوهش‌های حوزه، ش ۳.
- «موقف الشيعة من هجمات الخصوم و خلاصة عن عبقات الأنوار»، سیّد عبد العزیز طباطبایی، تراثنا، قم: مؤسّسة آل البيت، ش ۱.